تاریخ شفاهی

بزرگ‌ترین سارقان تاریخ ایران

مروری بر کارنامه سیاه غارت ثروت کشور در دوره ۵۰ساله سلطنت پهلوی

گزارش

بعد از افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) در ایران فساد مالی که در ارکان رژیم وجود داشت و در واقع میراث پدری محسوب می‌شد، از حد معمول یعنی بیرون‌ساز ها و زدوبند با مقاطعه‌کاران داخلی و بین‌المللی فراتر رفت و به نوشته فریدون هویدا «حقیقتا ابعاد وحشتناک به خود گرفته بود. برادران و خواهران شاه به خاطر واسطگی برای عقد قرارداد بین دولت ایران و شرکت‌هایی که گاه خودشان نیز جزو سهامداران عمده آنها بودند حق‌العمل‌های کلانی به چنگ می‌آوردند، ولی گرفتاری اصلی در این بین فقط مسئله رشوه‌خواری یا دریافت حق کمیسیون توسط خانواده سلطنتی نبود، بلکه اقدامات آنها الگویی برای تقلید دیگران می‌شد و به‌صورت منبعی درآمده بود که جامعه را در هر سطحی به آلودگی می‌کشاند.»

در دوران سلطنت پهلوی دوم، از شخص شاه گرفته تا خاندان و بستگان و نیز دولت‌های بر سر کار آمده و وابستگان آنها، همگی به جیب‌سال اموال عمومی، رشوه‌خواری و اخاذی مشغول بودند. رشوه‌خواری، تصرف اموال و املاک عمومی، قاچاق موادمخدر، قمار و عیاشی تنها گوشه‌ای از ویژگی‌های خاندان پهلوی دوم است. در چند سال آخر حکومت رژیم پهلوی، مبالغ هنگفتی - بالغ بر ۳میلیارد دلار - از درآمدهای نفتی به‌طور مستقیم به حساب بانکی متعلق به اعضای خانواده سلطنتی در خارج از کشور واریز می‌شد که این انتقالات هرگز در خزانه کشور ثبت نشد. از تشبث سابق این فقط مسئله رشوه‌خواری یا دریافت حق کمیسیون توسط خانواده سلطنتی نبود، بلکه اقدامات آنها الگویی برای تقلید دیگران می‌شد و به‌صورت منبعی درآمده بود که جامعه را در هر سطحی به آلودگی می‌کشاند.»

بدین‌ترتیب، خانواده پهلوی در اوایل دهه ۱۳۵۰ به ثروتمندترین خانواده سوداگر ایران تبدیل شدند، شراکت هر یک از افراد این خانواده در کارخانه‌های ساخت ماشین‌آلات، مجتمع‌های اتومبیل‌سازی، تولیدات ساختمانی و ساختمان‌سازی، شرکت‌های معدنی و کارخانجات نساجی امری رایج بود. بیشتر دارایی‌ها نیز توسط «بنیاد پهلوی» مدیریت و اداره می‌شد که در سال ۱۳۳۷ به بهانه امور بشردوستانه تاسیس شده بود.

شاه همواره سعی می‌کرد فساد مالی در خانواده سلطنتی را به‌نحوی توجیه و غیرمستقیم تأیید کند. بنابراین، گاه می‌شد که نظرهای مضحک و عجیب و غریبی هم اظهار کند؛ از آن جمله پاسخ شاه در پرسش خبرنگار فرانسوی اولیویه وان مبنی بر اینکه: «گفته می‌شود که فساد بخشی از اطرافیان شما را هم در امان نگذاشته است» چنین بود: «همه‌چیز ممکن است ولی در این مورد به‌خصوص (فساد مالی) باید بگویم که این فساد نیست بلکه مثل بقیه رفتار کردن است، یعنی مثل کسانی که کاملا حق کار کردن و معامله کردن را دارند، به‌عبارت دیگر اطرافیان من هم حق دارند در شرایط مشابه با دیگران برای امرار معاش خود فعالیت داشته باشند.» فعالیت اقتصادی خاندان پهلوی حد و حصری نداشت و آنان در هر کار سودآوری دارایی‌ها نیز توسط «بنیاد پهلوی» مدیریت و اداره می‌شد که در سال ۱۳۳۷ به بهانه امور بشردوستانه تاسیس شده بود.

شاه همواره سعی می‌کرد فساد مالی در خانواده سلطنتی را به‌نحوی توجیه و غیرمستقیم تأیید کند. بنابراین، گاه می‌شد که نظرهای مضحک و عجیب و غریبی هم اظهار کند؛ از آن جمله پاسخ شاه در پرسش خبرنگار فرانسوی اولیویه وان مبنی بر اینکه: «گفته می‌شود که فساد بخشی از اطرافیان شما را هم در امان نگذاشته است» چنین بود: «همه‌چیز ممکن است ولی در این مورد به‌خصوص (فساد مالی) باید بگویم

بذل و بخشش شاهانه

در کنار سفرهای تفریحی پرهزینه، شاه به‌خاطر مسائل بین‌المللی نیز به بسیاری از کشورهای جهان سفر می‌کرد. در همه این سفرها بذل و بخشش می‌پرداخت و مبالغ هنگفتی را از این طریق بر باد می‌داد. این هدایا تقریبا به همه کسانی که در طول سفر با شاه مواجه می‌شدند- از مستخدمین گرفته تا مقامات عالیه - تعلق می‌گرفت.

پرداخت‌های بی‌حساب به خانم‌های خاص

به گفته منابع موجود، این افراد با پرداخت هزینه‌های هنگفت، فواحش و روسپی‌های فراوانی را به ایران دعوت و موجبات کامیابی شاه را فراهم می‌کردند. فردوست در مورد پرداخت پول به این افراد می‌نویسد: «در مسافرت به آمریکا در نیویورک من آنفر را به محمدرضا معرفی کردم. یکی «گریس کلی» بود که در آن زمان آرتیست تئاتر بود و دوبار با او ملاقات کرد و محمدرضا به وی یکسری جواهرات به ارزش حدود یک‌میلیون دلار داد. این زن بعدها همسر پرنس موناکو شد و اخیرا در یک تصادف اتومبیل درگذشت. نفر دوم یک دختر آمریکایی ۱۹ساله بود که ملکه زیبایی جهان بود. محمدرضا مرا فرستاد و او را آوردم و چندبار با محمدرضا ملاقات کرد و به او نیز یکسری جواهر داد که حدود یک‌میلیون دلار ارزش داشت...»

پرداخت‌های هنگفت به هنرپیشگان و خوانندگان زن

راجع به بخش‌های محمدرضا به زنان خارجی مطالبی نوشته شده که تعجب‌آور است. به گفته مینو صمیمی که از نزدیک با شاه و فرح در سوئیس ارتباط داشت، وی با بسیاری از هنرپیشگان و خوانندگان معروف اروپایی ارتباط داشت و به‌همین سبب مبالغ هنگفتی نیز به آنها می‌پرداخت. فریدون هویدا نیز در این‌باره نوشته است: «اشاره؛ در خلال دیدار از پاریس، یکی، دو روز عصرها که وقت آزاد داشت به چند کاباره شبانه سر زد و مدتی را در مصاحبت با دختران معرفی‌شده از سوی دوستان خود گذراند که به آنها هدایایی گران‌قیمت نیز داد. چندماه بعد در یک مجلس میهمانی به یکی از همان دخترهایی که مدتی را با شاه سر کرده بود برخوردم و او با افتخار فراوان انگشتر الماسی را که از شاه هدیه گرفته بود به من نشان داد...»

تقدیم لیموزین به پادشاه افغانستان

در خاطرات علم آمده است: «ظاهرشاه، پادشاه مخلوع افغانستان تقاضای ۱۰هزار دلار برای خریدن یک اتومبیل لیموزین دیگر کرده است. شاه در پاسخ گفت «خب البته تقاضایش را برآورده می‌کنیم. خداوند به ما کمک داده که به کسان بدشانس‌تر از خودمان کمک کنیم.» ضمنا به من دستور داد تحقیق کنم که آیا یعداللهی خان هم به کمک مالی نیاز دارد.» وی همچنین ادامه داد «مستمری‌ای برای والاحضرت بلقیس درنظر گرفته‌ایم، اما درست نیست که شوهرش کفایت او را مشکی باشد.»

ریخت‌وپاش از جیب ملت

در دوره‌های اخیر خصوصاً از قاجاریه به بعد به‌خاطر ثبت و ضبط بیشتر وقایع با دقت و اهمال‌نظر بیشتری در سال‌نامه‌ها و یادداشت‌ها هدیه دادن به خارجی‌ها و امور بزرگ‌تر داد تا پیش از رونق کار امین سلطنه یعنی در سال ۱۳۰۴ جز موارد استثنایی و نادر، هدایایی که به هیأت‌های خارجی اهدا می‌شد، متناسب با عرف بین‌الملل بود. این هدایا در اکثر موارد ارزش مبادی فراوانی نداشت و جنبه سمبلیک و یادگاری آن مهم‌تر بود. در دوره پهلوی برخلاف تمام عرف‌های بین‌المللی، نسوه‌ای در دادن هدیه به خارجی‌ها و حتی‌بخشی‌های ناشمار در رواج یافته که مشابه آن در کمتر برهه‌ای از تاریخ ایران دیده شده است. نمونه‌ای اندک از هزاران را بخوانید.

یک دست جواهر نفیس هدیه به همسر کندی

... در سفر محمدرضا پهلوی به آمریکا و در یک مجلس شاه خصوصی، محمدرضا پهلوی یک دست جواهر فوق‌العاده نفیس و منحصربه‌فرد شامل «گردنبند برلیان، گل‌سینه الماس، دستبند جواهرنشان، انگشتر الماس و گوشواره‌های برلیان» را به ژاکلین کندی (همسر جان اف کندی رئیس جمهور وقت آمریکا) هدیه داد و در برابر سخاوتمندی بزرگ و بی‌نظیر شاه، کندی یک نقاشی ابرنگ به فرح هدیه داد و مدعی شد که این نقاشی از کارهای خود او در زمان تحصیلش است. ژاکلین هم که بشدت تحت‌تأثیر قرار گرفته بود یک کراوات رنگ و روزفته به محمدرضا هدیه داد و ادعا کرد که این کروات متعلق به جورج واشنگتن اولین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بوده است! هدایای رئیس‌جمهور آمریکا و همسرش طی یک دلار هم ارزش نداشت! درحالی که من می‌دانستم محمدرضا برای خرید جواهرهای عتیقه صدهاهزار دلار هزینه کرده است...

تطمیع مطبوعات و خبرنگاران خارجی

سفیر وقت ایران در سوئیس یکبار برای تهیه پمادی جهت مداوای خارش دست شاه، هواپیمایی را دربست به لندن فرستاد تا ۱۰حلقه از پمادِ مورد نظر را برای شاه بیاورد، زیرا پمادی با نام مورد دستور شاه در سوئیس وجود نداشت، بلکه مشابه آن با نامی دیگر موجود بود. اما سفیر معتقد بود امر شاه باید همانطور که هست اجرا شود. ولخرجی‌های شاه و اطرافیان در سوئیس تا بدان حد بسود که بارها مورد اعتراض مطبوعات سوئیسی و اروپایی قرار گرفته بود. اما سفیر می‌کوشید با دادن هدایای گرانقیمت به روزنامه‌نگاران صدای آنها را خاموش کند. اما برخی پول می‌گرفتند و در عین حال به انتقادات خود شدت می‌دادند.

این اعترافات منجر به تظاهرات دانشجویی علیه حضور شاه در سوئیس می‌شد.

اموال پهلوی‌ها در ایران

پروفسور «شاپور رواسانی» استاد دانشگاه اوندلنبورگ آلمان در کتاب «ایران» فهرستی از کارخانه‌های متعلق به خاندان پهلوی و خانواده‌های وابسته به آن را منتشر کرده است که شامل ۵۲۷کارخانه و مؤسسه مالی در ایران می‌شود. ۱۳۷مؤسسات مالی و کارخانه به شاه و منسوبین نزدیک به او، ۷۴واحد به فرمانفرمائیان، ۶۷واحد به خسرو شاهی، ۱۶واحد به لاجوردی، ۳۲واحد به خاندان ثابت پاسال، ۸واحد به رفیعی، ۲۱واحد به فولادی، ۲۲واحد به اخوان، ۱۷واحد به القائیان، ۱۶واحد به تیمورتاش، ۱۰واحد به خیامی و... تعلق داشت.

۷بانک
عمران، ایرانشهر، داریوش، توسعه و سرمایه‌گذاری ایران، صنعتی شهریار، فرست وسکانسیس کوروپوش و اعتبارات ایران جزو دارایی‌های شاه و خاندان بود که هر یک از این بانک‌ها ۱۲تا ۵۰میلیارد ریال سرمایه داشت.

۱۱شرکت
در دارایی‌های پهلوی به ثبت رسیده بود که می‌توان به بیمه ملی ایران، ترنبول ایران، شرکت سرمایه‌گذاری عمران، ایرانشهر فینانس، خدمات بیمه‌ای خاورمیانه، مرکز بین‌المللی پروژه‌های ایران بروژا پهلوی (زن احمدرضا)، وام بی‌اندازان آبیاتان و... اشاره کرد.

۱۵شرکت درصنایع فلزی
بیشترین سهامدارانش بنیاد پهلوی و اطرافیان بودند. این شرکت‌ها شامل جنرال موتورز ایران، جیپ، هیگو، پیستونان، فورد، کارخانه‌های نورد، شرکت نورد و لوله اهواز، شرکت صنعتی ایرانکو، ایرفود و... می‌شود.

۴۱شرکت ساختمان سازی
در بخش‌های هفتگانه کشور با سهامداری بنیاد پهلوی و دربار بنیاد پهلوی فعالیت می‌کردند. سازمان نوسازی و عمرانی اراضی غرب تهران، سازمان عمران کیش، شرکت عمران و آبرسان‌سازی خوزستن، شرکت عمرانی و شهرسازی شمیران نو، شرکت آب‌رسان شرکت تمال کر و... نمونه‌ای از آنهاست.

۱۱شرکت صنایع ساختمانی
سیمان فارس و خوزستان، سیمان آبیک قزوین، سیمان تهران، صنایع سیمان غرب، شرکت پارسوند آجر جنوب، جح تهران، ایرانیت، پلاست ایران و آهک چالوس می‌شود. سهامدارانش بنیاد پهلوی و اطرافیانش بودند.

۴شرکت نساجی
شه‌باف، ایران پولیس، ریسندگی و بافندگی آذر اصفهان و ریسندگی و بافندگی کرج سهامدارانش محمدرضا پهلوی و خانواده‌اش بودند. سهام هر شرکت حداقل ۲۰۰میلیون ریال بود.

۳۵شرکت صنایع غذایی
جزو دارایی‌های پهلوی بود. شرکت‌های قند کرج، پارس و مرودشت، دزفول، قسا، گرامانشاه و لرستان، شرکت تولیدی کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز، شرکت زرنق، شرکت دامداری و کشاورزی ایران اسکاتینگ، تولیدی رودا، صنایع گوشتی گل‌نیه و... نمونه‌ای از آنهاست.

۲۵شرکت خدماتی
سهامدارانش پهلوی و افراد درست بنیاد یا او بودند. این شرکت‌ها در زمینه هواپیمایی، خدمات دریایی، حفاری، سینما، پمپ، ورزشی، چهانگرد، تور رستی و... فعالیت می‌کردند که می‌توان به عمرانی و توریستی نمی‌آبرود، لیز نیتک ایران، هتل‌های لوکس ایران و... اشاره داشت.

۸معدن
سهامدارانش بنیاد پهلوی با شخص محمدرضا شاه بود. این معادن شامل شرکت معدنی سنگواره، آسبستک، فیروزه مشهد، صنعتی شهرستان، معدنی دونا، معدنی ایران و رومانی، دوتا مسگر و معادن نوکرکن می‌شود.

۷شرکت بازرگانی
سهامدارانش بنیاد پهلوی بود که شامل شرکت بهداشتی عمران، ماشین آلات عمرانی، سولرز ایران، ایزوتا موزیک، تولیدی و بازرگانی مهر آفرین، توسعه تجارت شه آوران، پی‌ان اف. او... است.

خاندان ایران‌خوار

فعالیت اقتصادی خاندان پهلوی حدوحصری نداشت و آنان در هر زمینه سودآوری حضور داشتند یا با استفاده از رانت خانوادگی در هر فعالیت اقتصادی صاحب سهم بودند. از این‌رو با وجود انحصار بی‌حدوحصر در بازار داخلی، دیگر کسی را یارای رقابت با آنها نبود.

احمدرضا پهلوی؛ مافیای کشاورزی

احمدرضا، برادر دیگر پهلوی‌دوم برخلاف سایر برادرانش در امور سیاسی و اجتماعی حاشیه چندانی نمی‌کرد، با این حال او هم به واسطه خویشاوندی با شاه، از خوان بی‌حدوحصر رانت خانوادگی بی‌نصیب نمانده بود و به واسطه استفاده از موقعیت خاندان حدود صاحب و سهامدار چند مؤسسه اقتصادی بود. در کتاب «مفاسد خاندان پهلوی» از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی به این شرکت‌ها اشاره شده است: شرکت کشت و صنعت شاهین‌کی، شرکت کشاورزی شهریار، شرکت کشاورزی شهیرین، شرکت تهران بوره، مرکز بین‌المللی پروژه‌های ایران، شرکت توسعه تجارت شهاوران و شرکت کارخانه‌های نان ماشینی و...»

غلامرضا پهلوی؛ سهام‌خوار بزرگ

غلامرضا پهلوی نمی‌گذاشت کسی اجازه تاسیس کارخانه سیمان بگیرد و در نتیجه این مسئله بود که مملکت دچار کمبود سیمان شد. غلامرضا در سهامداری و سهام‌خواری شرکت‌های اقتصادی هم بدطوالایی داشت. براساس کتاب «خاندان پهلوی به روایت اسناد» از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بخشی از سهام شرکت‌ها و دارایی غلامرضا و همسرش منیژه که از طریق رانت خانوادگی تصاحب کرده بود به این شرح است: «سهام کارخانجات آزمایش، شرکت رسندگی و بافندگی کرج، شرکت کارخانجات نورد و پروفیل ساوه و تمیشان، شرکت ایتنا سرتیال همدان، شرکت ریسندگی و کشت و صنعت تمیشان، کشاورزی پارسی‌غرب، شرکت کشت و صنعت شهریار، شرکت کشاورزی و عمرانی سیزدشت، شرکت تولیدی سیاک، کلوپ ورزشی دراکبار، بنیاد پهلوی، سرمایه‌گذاری در بانک مهنج‌ان برای پر یاضد هرار دلار، شرکت سهامی خاص کالای الکتریک و...»

عبدالرضا پهلوی
سلطان شکار ایران

عبدالرضا، چهارمین پسر رضاشاه علاقه زیادی به اسب‌های خوش شمال کشور داشت و جزو ملاکان و زمین‌داران بزرگ استان مازندران بشمار می‌رفت. شاه بیشتر وقت خود را از زمین‌های سرسبز و حاصلخیز شمال، نزدیک به ۷هزار و ۷۰۰هکتار به این شاهزاده واگذار شده بود که از فروش گندم آن به وزارت کشاورزی سود سرشاری عایدش می‌شد. علاوه بر اینها عبدالرضا در صنایع هم دست داشت و جزو سهامداران گروه کارخانه‌های نورد آلومینیوم و شرکت ماشین‌آلات کشاورزی جدایر بود. او که به‌خاطر علاقه افراطی‌اش به شکار گونه‌های مختلف حیوانات کمیاب، به نوعی سلطان شکار ایران نام گرفته بود، مالکیت شرکت شکار ایران را هم در اختیار داشت. عبدالرضا به اینها قانع نبود و برای افزایش درآمدهای خود به معاملات غیرقانونی و دریافت رشوه از شرکت‌های اقتصادی برای عقد قراردادهای ساختگی متوسل بود. طبق اسناد بایگانه «اطلاع‌رسانی پژوهشکده تاریخ معاصر»، یکی از ده‌ها مورد رشوه‌خواری عبدالرضا مربوط به قرارداد ساخت کارخانه کاغذسازی در شمال ایران توسط یک شرکت کانادایی بود. در این معامله، عبدالرضا با استفاده از نفوذ خود از وزیر دارایی می‌خواهد که مبلغ قرارداد ساخت کارخانه از ۴۰میلیون به یکصدمیلیون دلار افزایش دهد و در مقابل شرکت کانادایی، مبلغ ۱۲میلیون دلار به‌حساب او واریز می‌کند.

محمودرضا پهلوی
شریک کارخانه‌های بزرگ

محمودرضا، برادر دیگر پهلوی‌دوم در سهام بسیاری از شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ سهیم بود. کسب سهام بسیاری از کارخانجات و مؤسسات اقتصادی توسط محمودرضا، به‌دلیل جایگاهش به‌عنوان یکی از اعضای خانواده سلطنتی بود، چون این جایگاه می‌توانست برای صاحبان و سایر سهامداران سودآور و پول‌ساز باشد. صاحبان شرکت‌ها با کمک شریک دربار، می‌توانستند از موانع قانونی گمرکی و مالیاتی به راحتی عبور کنند. بر اساس کتاب «خاندان پهلوی به روایت اسناد» از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، محمدرضا مالک ۲۴مؤسسه صنعتی، چندین معدن، یک کارخانه آجر و یک کارخانه لاستیک اتومبیل بود. اسامی بانک‌ها و مؤسساتی که با محمودرضا پهلوی شرکت داشته‌اند عبارتند از: شرکت فیروزه مشهد، شرکت صنعتی شهیدان، شرکت معدنی دونا، شرکت کشت و رومانی، شرکت دونا سنگ، شرکت معدنی نورکان، شرکت شه‌باف، شرکت بریجستون ایران، شرکت ایران پولیس، شرکت آجر جنوب، شرکت ساختمانی کلید، شرکت عمران ملک‌شهر، شرکت خاتم‌سازی و توسعه تهران، نورگ، شرکت شهرسازی و ساختمانی فرح‌آباد، شرکت کشت و صنعت شهریار، شرکت کشاورزی کشت‌شهر، شرکت کشاورزی و دامپروری ایران، شرکت صنایع و کشاورزی کل‌نیه و...

اشرف پهلوی
ثروتمندترین فرد بعد از شاه

اشرف، خواهر دوقلوی محمدرضا، بعد از برادرش ثروتمندترین فرد خانواده پهلوی به‌حساب می‌آمد. دفتر او با نفوذی که در کشور داشت، به‌صورت یک سازمان موازی با دولت در برنامه‌ریزی و مدیریت طرح‌های اقتصادی و تجاری بسیار فعال بود. او توانست از راه‌های غیرقانونی و سوءاستفاده از موقعیتش یکی از ثروتمندترین افراد خاندان پهلوی و از سرمایه‌داران بزرگ جهان شود. براساس اسناد بدست آمده از دوره پهلوی، اشرف در تحمیل هزینه سفر به دولت، گوی سبقت را از دیگر اعضای خانواده ربوده بود. بخشی از این هزینه‌ها به این شرح است: مبلغ ۳میلیون دلار برای مسافرت به سوئیس، ۳۰۰هزار دلار برای مسافرت یک‌ماهونیمه به سوئیس و تایلند، ۳میلیون فرانک فرانسه برای مسافرت به پاریس، «اشرف باسوءاستفاده از قدرتش سازمان‌های دولتی را وادار می‌کرد خارج از مقررات مناقصه با یک شرکت خارجی قرارداد ببندند و خود نیز مبالغ هنگفتی از این معامله نصیبش می‌شد. فریدون هویدا در کتابش آورده است: «اشرف به وسیله پسر بزرگش توانسته است کمپیون کلانی به‌خاطر عقد قرارداد مقاطعه‌کاری با چند کنسرسیوم بین‌المللی، فروش های کمپانی فرانسوی «فاسو» به ایران، پروژه نیروگاه حرارتی سانی کمپانی هوراس بلوری» سوئیس و مقاطعه تأسیسات بندر چابهار توسط کمپانی هوراس اندروت» دریافت کند.»

فرح پهلوی
به نام خیریه به کام ملکه

فرح دیبا که پس از ازدواج با محمدرضا پهلوی به فرح پهلوی معروف شد، در آغاز با ورود به فعالیت‌های خیرخواهانه و تأسیس انجمن‌ها و نهادهایی در این راستا علاوه بر اینکه توانست نگاه مثبت مردم طبقه پایین و متوسط و تحصیل کرده جامعه را به‌دست آورد، نفوذ زیادی در میان صاحب‌منصبان دربار و سیاسیون نیز کسب کرد. از مهم‌ترین سازمان‌ها و نهادهایی که از سوی فرح تأسیس و توسط او اداره می‌شد، می‌توان موارد ذیل را برشمرد: جمعیت خیریه فرح پهلوی، جمعیت کمک به جذامیان ایران، جمعیت ملی مبارزه با سرطان، سازمان مهد کودک و ده‌ها سازمان دیگر که اداره این سازمان‌ها به تنهایی توسط فرح صورت نمی‌گرفت، حتی در بسیاری موارد فقط نام فرح به‌عنوان رئیس یکی از این سازمان‌ها مطرح بود و عملا اداره آنها به‌عهده او نبود. با این معامله نصیبش می‌شد. فریدون هویدا در کتابش آورده است: «اشرف به وسیله پسر بزرگش توانسته است کمپیون کلانی به‌خاطر عقد قرارداد مقاطعه‌کاری با چند کنسرسیوم بین‌المللی، فروش های کمپانی فرانسوی «فاسو» به ایران، پروژه نیروگاه حرارتی سانی کمپانی هوراس بلوری» سوئیس و مقاطعه تأسیسات بندر چابهار توسط کمپانی هوراس اندروت» دریافت کند.»

شمس پهلوی
زمین‌خوار بزرگ

نخستین فرزند محمدرضا شاه و فرح دیبا، تاج‌الملوک و خواهر تنی محمدرضا شاه پهلوی که شاهدخت شمس پهلوی لقب داشت، در فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و مالی بسیار فعال بود. شمس علاوه بر زمین‌هایی که از پدرش به او ارث رسیده بود، با اتکا به موقعیت خانوادگی و توسل به فعالیت‌های زمین‌خواری، صاحب زمین‌های زیادی شد. فریدون هویدا در کتاب «سقوط شاه» آورده: «شمس علاوه بر سوءاستفاده از اموال دولتی برای منافع شخصی خود، به همراه همسر و فرزندانش حاضر بود با یسهاندار عمده چندین مؤسسه اقتصادی از جمله: «شرکت پرسیس مثال فورمز، شرکت صنعتی الوم شارس، شرکت ساختمانی فرامین، شرکت شهر صنعتی کورش، شرکت ساختمانی و مهندسی مهرشهر و ده‌ها شرکت و مؤسسه اقتصادی بود. به رغم ثروت هنگفت، شمس به تجارت الماس و تجارت خورد و فروش غیرقانونی آثار باستانی علاقه زیادی داشت. فریدون هویدا در کتاب خاطرات خود در این‌باره نوشته است: «عمل رشتی که شمس انجام می‌داد، گرفتن مبالغ هنگفت از وارد کنندگان اشیای گرانبها، طلا، مجسمه‌ها، کالاهای پرقیمت بود. سرمایه‌دارانی به او پناه می‌دادند و در مقابل، کالاهای خود را به‌عنوان دریار شاهنشاهی وارد ممالک می‌کردند و از هرگونه بازرسی و مالیات معاف می‌شدند.»

توران امیرسلیمانی
تصاحب روستا

در کنار فرزندان پهلوی اول، همسران و نیز از موقعیت و جایگاهشان به‌منظور دستیابی به منافع اقتصادی بیشتر بهره‌برداری می‌کردند. ملکه توران امیرسلیمانی، سومین همسر رضاخان و مادر غلامرضا، که زندگی مشترکش با رضاشاه فقط یک سال دوام داشت، زمانی که از واگذاری املاک سلطنتی در مازندران به دربارهای مطلع شد، از محمدرضا خواست یکی از دهات مزروعی مازندران را به او واگذار کند و شاه موافقت کرد. از این‌رو، ملکه توران یکی از زمین‌های مرغوب مازندران به نام ایزده را از توابع آمل را که یک سویش به ساحل و سوی دیگرش تا جنگل امتداد داشت، انتخاب کرد و با پرداخت ۳۰۰هزار تومان، مالک ۳دانگ از دهستان ایزده شد و ظرف مدت ۳سال، زمین‌ها را به ۸۰۰هکتار توسعه داد. به نوشته کتاب «خاندان پهلوی به روایت اسناد» ملکه توران وقتی از اعتبارات کابل دولت برای ساخت مسکن باخبر شد، به فکر استفاده از آن و ساخت شهرکی با نام تورانشهر افتاد. از این‌رو در اواخر سال ۵۳، با یک معمار آلمانی قرارداد بست تا این شهرک در زمینی به مساحت ۷۰۰هزار مترمربع در جنوب تهران ساخته شود؛ هر چند به‌علت پاره‌ای مشکلات این پروژه ناکام ماند.

سرمایه‌هایی که شاه هنگام فرار از ایران با خود برد

اموالی که شاه و فرح در ۲۶دی ماه از ایران خارج کردند به قدری بوده است که بازماندگانشان با گذشت بیش از ۴۴سال همچنان شاهانه زندگی می‌کنند

۵۰۲۶ عدد الماس

۳۶۸ حبه مروارید

۵۰ قطعه زمرد

۱۱۸ میلیون دلار منابع ارزی ایران در لندن و نیویورک تصاحب شد

۵۰ میلیون دلار منابع ارزی بانک‌های ایران به خارج منتقل شد

۱۲ میلیارد دلار به‌حساب بانکی پهلوی در سوئیس توسط پهلوی واریز شد
به نقل از واشنگتن پست، ۱۷ژانویه ۱۹۷۹

۳۵ میلیارد دلار، توسط محمدرضا پهلوی هنگام فرار به خارج از ایران منتقل شد
به نقل از روزنامه فایننشال‌تایمز سال ۱۳۵۷

۳۸۴ چمدان

امیراسلان افشار، آخرین رئیس کل تشریفات محمدرضا پهلوی در کتاب «سروها در باد»: «۱۰روز مانده به سفر همه اثاث ملکه فرح به دستور شاه، در صندوق‌های خریداری شده از یک مؤسسه خارجی بسته‌بندی شد. تعداد چمدان‌ها و صندوق‌ها به ۳۸۴عدد می‌رسید.»

۳۱میلیارد دلار

اردشیر زاهدی از نزدیکان خاص دربار پهلوی گفته بود: «دادستان تهران در زمان شبر بقایاهایی فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست شخص اعلیحضرت به خروج ۳۱میلیارد دلار از کشور متهم شده بود.»

۲۲۰هکتار زمین

اسناد و مدارک موجود در ایران نشان می‌دهد بخشی از املاک محمدرضا پهلوی در ایران شامل ۲۲۰هکتار زمین بود که قبل از خروج از کشور در سال ۵۷به فروش رفت و به‌صورت ارز از کشور خارج شد. با این حال براساس آمارهایی که روزنامه‌ها و نشریات آمریکایی منتشر کردند، ثروت شاه شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌ها، بنیادها، حساب‌های بانکی، زمینی در کوستاری سول اسپانیا، ویلایی در سنت موریس سوئیس که بعدها سیلو و برلوسکونی آن را خرید و املاکی در نقاط مختلف دنیا بود.

شاه در خارج از کشور چقدر دارایی داشت؟

ملک بزرگی در منطقه کوه‌های راکی آمریکا:
براساس نوشته روزنامه «دیلی‌اکسپرس» چاپ لندن سال ۱۹۷۸
قیمت این ملک یک میلیون پوند انگلیس بود

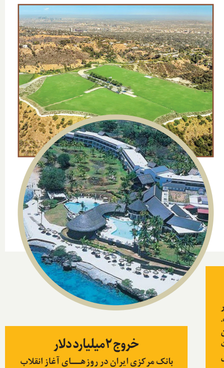

- خانه و پارک مجلل در حومه لندن
- قصر و باغ‌های «استیل مانس» ملکه الیزابت دوم در این قصر متولد شد.
- باغ و ساختمانی مجلل در ناپل (ایتالیا)
- باغ بزرگ و ویلایی مجلل در کاپری
- قصر مجلل در سنت موریس

شاه زمستان‌ها را در آنجا می‌گذراند به‌نحوی که سنت‌موریس سوئیس در بین دیپلمات‌های خارجی، به پایتخت زمستانی ایران معروف بود.

جزیره‌ای در اسپانیا
این جزیره را سال ۱۳۵۰ به مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار خرید و در مرکز جزیره یک ساختمان مدرن ساخت. ناصر مقدم: ۲میلیون دلار
شهردار وقت تهران: ۶میلیون دلار
وزیر وقت بهداشت: ۷میلیون دلار
مدیر شرکت نفت: بیش از ۶میلیون دلار

خروج ۲میلیارد دلار
بانک مرکزی ایران در روزهای آغاز انقلاب لیستی از ۱۷۷ نفر از اشخاص برجسته (رژیم پهلوی) منتشر کرد که حدود ۲میلیارد دلار از کشور منتقل کرده بودند. برخی از افراد نامشان در زیر آمده است:
جعفرشریف‌امامی: حدود ۳۱میلیون دلار
غلامعلی اویسی: ۱۵میلیون دلار
شهاری: ۹میلیون دلار
ناصر مقدم: ۲میلیون دلار
شهردار وقت تهران: ۶میلیون دلار
وزیر وقت بهداشت: ۷میلیون دلار
مدیر شرکت نفت: بیش از ۶میلیون دلار

۱۱میلیارد دلار در بانک‌های آمریکا
«قاسم تبریزی» پژوهشگر تاریخ معاصر با مراجعه به اسناد و کتاب‌ها می‌گوید: «پهلوی‌ها ۱۱میلیارد دلار در آمریکا پول داشتند که بخشی از آن را آمریکایی‌ها تصاحب کردند. حجیب ثابت و برخی افراد دیگر با هماهنگی و به عنوان شکایت از این پول برداشت کردند. بخش دیگری از این اموال در اختیار فرح و رضا پهلوی قرار گرفت و...»

تاریخ شفاهی

«فخرالدین عظیمی» استاد دانشگاه آمریکا
عاملان رانت‌های دولتی

فخرالدین عظیمی، استاد دانشگاه «کنتیکت» در کتابی با عنوان «بدنبال دمکراسی در ایران» که توسط دانشگاه هاروارد آمریکا به زبان انگلیسی منتشر شد، عاملان اصلی فساد دولتی در ایران را بسیاری از اعضای خاندان پهلوی معرفی می‌کند. نویسنده با اشاره به نوچهی محمدرضا پهلوی به مسئله فساد گسترده در دربار می‌نویسد: «مشکل ناخوشایندی که رژیم (پهلوی) هم‌وقت توان مقابله با حتی اظهارنظر علنی درباره آن را نداشت، فساد دربار سلطنتی بود. بسیاری از اعضای خاندان پهلوی خودشان عاملان اصلی فساد بودند. که خود آن (فساد) نیز اغلب شکل‌های مهارنشدنی به‌خود می‌گرفت. آنها (اعضای دربار) به‌نتها در انواع متعددی از شرکت‌های خصوصی سود آور شریک بودند بلکه به‌طرز محسوس‌تری خودشان را از طریق نفوذی که بر مدیریت شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی داشتند، ثروتمندتر کرده بودند.» این استاد دانشگاه آمریکایی با بیان اینکه فساد در رژیم پهلوی به یک فعالیت نهادینه‌شده و رسمی در ادارات دولتی تبدیل شده بود، توضیح می‌دهد: «در دهه ۱۹۷۰ همه گیری فساد در سطوح بالای (مملکت)، که از دید ناظران خارجی بسیار شایع‌تر از هر مکانی در خاورمیانه بسود، کاملا بر خلاف هدف ادعایی رژیم مبنی بر اصلاح دولتی بود... با وجود اتخاذ تدابیر متعدد ضدفساد، سفارتخانه آمریکا در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) در گزارش داد که تمام آن طرح‌ها بی‌فایده بودند.»

پروفسور «خوان خوزه لینز» جامعه‌شناس اسپانیایی
بنیاد پرورش دهنده فساد

پروفسور «خوان خوزه لینز»، جامعه‌شناس اسپانیایی و استاد دانشگاه ییل در آمریکا، در کتاب «رژیم‌های سلطانی» با همکاری هوشنگ شهابی تأکید می‌کند که فساد در رژیم پهلوی به‌صورت رسمی و دولتی درآمده و نه‌تنها مقامات بلکه سازمان‌های دولتی را هم درب گرفته است. در این کتاب با اشاره به نهادینه شدن فساد دولتی در حکومت پهلوی دوم، از گزارش‌های سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) اینگونه نقل قول شده است: «بوستاک و جوز متفق‌القول اعلام کردند بنیاد پهلوی، اساساً یک بنیاد خیریه بود، رسماً پرورش‌دهنده فساد بود... با این حال، ایمن فقط «نوک کوه یخ» فساد رسمی و سلطنتی در داخل و خارج ایران بود. یکی از گزارش‌های سیا در نیمه دهه ۱۹۷۰، درباره سلطنتی را «مرکز گمراهی و تباهی، فساد و نفوذ غیرقانونی» توصیف می‌کرد.» گزارش سیا در سال ۱۹۷۶ میلادی (۱۳۵